

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیستم، شماره هفتادوهفتم

بهار ۱۳۹۸

بررسی تشکیلات و ارکان حکومتی دولت بنی رستم

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۲/۱۴

۱ سیده لیلا تقوی سنگدهی

۲ سمیه آقا محمدی

شمال آفریقا در نیمه سده دوم هجری، شاهد شکل‌گیری حکومت بنی رستم در مغرب میانه به پایتختی تاهرت براساس عقاید اباضیه بود که تا پایان سده سوم هجری، حضور نیرومند خود را حفظ کرد. پژوهش حاضر با استناد به منابع تاریخی دست اول و با روشی توصیفی - تحلیلی درصدد بررسی چگونگی انتخاب، ویژگی‌ها و وظایف ارکان دولت بنی رستم؛ یعنی امامان، قضات، اصحاب شرطه، والیان، عاملان زکات و محاسبان و چگونگی نظارت و اهتمام آنها نسبت به امور رعایا است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در رأس نظام سیاسی رستمیان، امام قرار داشت که با داشتن ویژگی‌های خاصی مانند علم، عدالت، وصیت و عدم وابستگی به قبایل بزرگ به وسیله شورا انتخاب می‌شد. تشکیلات حکومتی و مناصب زیر نظر امامان رستمی، تفاوت زیادی با دیگر حکومت‌ها نداشت، اما در انتخاب متصدیان امر و نظارت بر فعالیت آنها فرایند،

۱. استادیار گروه تاریخ اسلامی دانشگاه زنجان (sangdehi@yahoo.com).

۲. دانشجوی دکترای تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد (somayyeaghamohammadu@yahoo.com).

معیار و دقت نظرهایی وجود داشت که آنها را متمایز می‌ساخت و این امر از عوامل موفقیت رستمیان به شمار می‌رود.

کلیدواژگان: بنو رستم، تاهرت، اباضیه، تشکیلات حکومتی، مغرب میانه.

۱. مقدمه

اباضیه، یکی از مذاهب اسلام است که از جریان خوارج نشأت گرفته‌است. این فرقه از کهن‌ترین مذاهب اسلامی و تنها گروه باقی‌مانده خوارج است. نام این مکتب از نام عبدالله بن اباض تمیمی، نخستین پیشوای آن گرفته شده‌است. فرقه خارجی اباضی موفق به تشکیل حکومت بنی رستم (۱۶۴-۲۹۶ ق / ۷۶۱-۹۰۸ م) در مغرب میانه شد.^۱ اهمیت این دولت در تاریخ شمال آفریقا با مدت سلطنت و وسعت قدرت آن تناسبی ندارد.^۲ اباضیان حکومتی مردم سالار به وجود آوردند و تاهرت را در زمینه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به شکوفایی رساندند.^۳

۱. تاهرت به زبان بربری به معنای، دایره زنگی یا ماده شیر است. تاهرت در دورترین نقطه مغرب اوسط در کوه جزول و مکانی مرتفع و کوهستانی به وسیله عبدالرحمان بن رستم ساخته شد. ابن عذارى، *البيان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب*، ص ۱۹۶؛ درجینی، *طبقات المشایخ بالمغرب*، ص ۴۴؛ البکری، ص ۱۹۶؛ شماخی، *کتاب السیر به تحقیق احمد بن سعود السیابی، الجزء الاول*، ص ۱۲۵؛ حموی بغدادی، *معجم البلدان*، ص ۲۰۰؛ *اليعقوبی، تاریخ اليعقوبی*، ص ۱۹۰.

۲. باسورت، *سلسله های اسلامی جدید راهنمایی گاهشماری و تبارشناختی*، ص ۸۱؛ بدر، *دراسات فی تاریخ المغرب والاندلس - من الفتح حتى الخلافة، الجزء الاول*، ص ۲۱۳؛ عبادی، *العبادی فی تاریخ المغرب و الاندلس*، ص ۱۳۵.

۳. الحمیری، *الروض المعطار فی خبر الاقطار*، ص ۱۲۶؛ ادیسی، *نزهة المشتاق فی الاختراق الآفاق*، ص ۱۷۸.

بنو رستم یکی از دولت‌های خارجی مسلک است که در سال ۵۱۴۴. ق در سرزمین مغرب میانه (الجزایر کنونی) در تاهرت، حکومت تشکیل دادند. بنیان‌گذار این دولت، فردی ایرانی به نام عبد الرحمن بن رستم بود و حکومت آنها حدود صد و پنجاه سال طول کشید. امامان بنی رستم با تکیه بر بحث عدالت تلاش نمودند، پاسخ‌گوی بسیاری از نیازهای اولیه جماعت خارجی مذهب باشند که مدت‌ها از آن محروم بودند.

در بعد تشکیلاتی، فرق چندانی بین حکومت رستمیان و دولت‌های هم‌زمان وجود ندارد، اما دقت لازم در مرحله انتخاب کارگزاران براساس معیارهای دینی، به ویژه داشتن عدالت و نظارت کافی پس از به دست آوردن منصب، تبعیت کامل کارگزاران از امام و در مقابل بهره‌گیری از مزایای بالا و بهره‌بردن از شورای مشورتی در پیش‌برد امور، سبب شده بود حکومت رستمیان تا زمان پای‌بندی به این معیارها، موفق عمل نماید و با رضایت عمومی همراه باشد. سرانجام با دوری از این معیارها و ضعف و سستی امامان و والیان، حکومت بنی رستم رو به ضعف و انحطاط نهاد.

درباره دولت بنی رستم پژوهش‌های متعددی مانند شاخصه‌های توسعه یافتگی تاهرت در عصر بنی رستم به قلم عباس برومند اعلم و سمیه آقامحمدی؛ پژوهشی در منابع تاریخی رستمیان اباضی در مغرب اسلامی به قلم یونس فرهمند؛ روابط سیاسی و تجاری رستمیان در مغرب میانه از یونس فرهمند؛ بررسی و تبیین سیر تحول و تبدیل نهاد امامت به سلطنت در تاریخ اباضیه عمان به قلم مصطفی پورمرادیان و فرشته پورسعیدی انجام شده است. این پژوهش‌ها با وجود بررسی ابعاد مختلف دولت اباضیان، به صورت تخصصی، تشکلات و ارکان حکومتی دولت بنی رستم را بررسی نکرده‌اند.

۲. تشکیلات و ارکان دولت بنی رستم

۲-۱. تشکیلات سیاسی - نظامی

امام در رأس نظام تبلیغی و آموزشی و در رأس رکن و تشکیلات سیاسی و نظامی بنی رستم قرار داشت. در موضوع جایگاه، روش انتخاب، ویژگی‌ها و وظایف امام، بخشی از

افکار اباضیه شبیه اهل سنت است. آنها مانند شیعه، امامت را از اصول می‌شمارند و تعطیلی حکومت را جایز نمی‌دانند^۱ اما مانند اهل سنت، راه نصب امام را انتخاب می‌دانند و نص صریح را باور ندارند.

بنی رستم از میان راه‌هایی که اهل سنت در مورد انتخاب امام به آن معتقد بودند، شورا را قبول داشتند؛ یعنی آن که شورایی از اهل حل و عقد، مانند برگزیدگان مهاجر و انصار، فردی را به امامت تعیین کنند و سپس مردم با او بیعت نمایند.^۲ در دوران حکومت رستمیان، همه امامان جز ابوبکر بن افلح (د. ۲۴۲هـ) و ابوحاتم یوسف بن محمد بن افلح (د. ۲۸۲هـ) از طریق شورا روی کار آمدند. البته انتخاب امام بر اساس شورا در بین اباضیان براساس اصول و قواعدی خاص صورت می‌گرفت.

انتخاب کنندگان براساس چند اصل و ویژگی، امام را انتخاب می‌نمودند که عبارت بودند از: داشتن فضیلت، علم، عدالت، وصیت^۳، عدم تعلق و وابستگی امام به یک قبیله یا حزبی بزرگ در زمانی که امام انتخاب می‌شد. مهم‌ترین وظایف امام عبارت بودند از: نظارت بر نشر و گسترش مذهب اباضیه، گردآوری جزیه و اجرای حدود دینی با نظارت شخصی و از طریق انتخاب کارگزاران مناسب برای امور مختلف سیاسی، اجتماعی، مذهبی، نظامی، اقتصادی و قضایی.^۴

بررسی سیر تاریخ بنی رستم نشان می‌دهد در مورد روش انتخاب، شروط و وظایف امام در بسیاری از مواقع اصول اولیه اباضیه لحاظ شده است. انتخاب مؤسس دولت بنی

۱. ضیائی، تاریخ و اعتقادات اباضیه، ص ۵۸۸.

۲. درجینی، طبقات المشایخ بالمغرب، ص ۴۵؛ ناصری طاهری، مقدمه ای بر تاریخ مغرب اسلامی، ص ۲۷؛ المدنی، دائرة المعارف الاسلامیة، ص ۵۰.

۱. (مراد از وصیت نزد اباضیان، کاندید نمودن و پیشنهاد دادن یک فرد برای امامت از جانب امام پیشین است) ابن صغیر، تاریخ بنی رستم، ص ۴۰؛ ورجلانی، السیرة و الاخبار الائمة، ص ۱۰۲.

۲. ابن صغیر، تاریخ بنی رستم، ص ۲۱.

رستم؛ یعنی عبدالرحمن بن رستم (د. ۱۷۱) به وسیله شورا صورت گرفت.^۱ او نه تنها به وسیله شورا انتخاب شد، بلکه یکی از اصول تفکر اباضی؛ یعنی مشورت امام با گروهی از رجال برجسته، عادل و عالم جماعت اباضی برای اداره امور را رعایت می‌کرد.

او علاوه بر علما با شیوخ و رهبران مذهب اباضی رایزنی می‌کرد. حتی از پیشوایان اباضیه مشرق به ویژه پیشوایان بصره، نظر خواهی می‌نمود و کسی را به نزد آنان می‌فرستاد و استفتا می‌کرد. آنها هم فتوا می‌دادند.^۲ از محاسن نظام شورایی این بود که رهبران اباضیه را مجبور می‌کرد به آرای مختلف احترام بگذارند و روح تساهل را بر آن‌جا حاکم می‌نمود.

او شروط و ویژگی‌های امامت، مانند عدالت و عدم تعلق به قبایل بزرگ بربری و عربی را دارا بود و تکیه‌گاهش پشتیبانی جماعت اباضی بود^۳ که توانست تاهرت را با دمشق، قرطبه و عراق برابر کند^۴ و به عراق کوچک و عراق مغرب معروف سازد.^۵ به گونه‌ای که تاهرت، تجارت شمال را به جنوب مرتبط ساخت و حلقه وصل و رابط تجارت شرق و

۱. همان، ص ۴۰؛ ورجلانی، السیره و الاخبار الائمه، ص ۱۰۲؛ مونس، تاریخ و تمدن مغرب، ص ۳۲۸، ۳۲۶؛ حداد عادل، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، ص ۳۳۸؛ سعیدیان، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۶۸۵؛ موسوی بجنوردی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۴، ص ۳۹.

۲. ابن صغیر، تاریخ بنی رستم، ص ۴۱؛ مونس، تاریخ و تمدن مغرب، ص ۳۰۵.

۳. ورجلانی، السیره و الاخبار الائمه، ص ۱۰۲.

۴. عودی، تاریخ دولت اغلیان در افریقیه و صقلیه، ص ۴۶۲.

۵. مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ص ۳۲۶؛ کردی، تاریخ سیاسی خوارج شمال آفریقا در سده های اول و دوم هجری، ص ۲۰۳؛ الحموده، تاریخ المغرب فی العصر الاسلامی، ص ۳۲۵؛ حموی بغدادی، پیشین، ص ۱۹۹؛ چلونگر، محمدعلی، «موقعیت تجاری آفریقیه و مغرب و نقش آن در تأسیس خلافت فاطمی»، تاریخ اسلام، ش ۹، ص ۶۶، ۴۷؛ فرهمند، «روابط سیاسی و تجاری رستمیان در مغرب میانه»، فقه و تاریخ تمدن، ش ۱۵، ص ۱۰۱.

غرب مغرب و اندلس شد. اقتصاد شکوفا و روش حکومت عبدالرحمن سبب گردید مهاجران اندلسی، بصری، کوفی و ایرانی رهسپار تاهرت گردیدند^۱ و در آن جا مستقر شدند.

عبدالرحمن علاوه بر شکوفایی و پیشرفت خارجی، در بعد داخلی تلاش نمود وظایف خود را به عنوان امام به شکل مطلوب به انجام رساند. او با کمک کارگزارانش، امور مالی را منظم ساخت و در دوره او، بیت المال مسلمانان با نظم اداره می‌شد.^۲ در نتیجه، توجه ویژه عبدالرحمان به امور مالی و اداری، بستری مناسب برای تثبیت دولت بنی رستم را فراهم نمود. با مرگ عبدالرحمن، فرزندش به امامت رسید. درباره روش انتخاب او باید گفت که عبدالرحمن در زمان مرگ، هفت یا شش تن را برای امامت معرفی کرد و آنها از میان خود، عبدالوهاب پسر عبدالرحمن (۱۶۸-۲۰۸هـ/۷۸۴-۸۰۴م) را در سال ۱۶۸ یا ۱۷۱هـ ق بدون هیچ اجبار و توصیه‌ای انتخاب نمودند.^۳

او علاوه بر داشتن ویژگی‌های لازم از دیدگاه اباضیان، فردی اهل علم و مطالعه بود که در علوم شرعی و فقه اباضی تبحری خاص داشت. به همین دلیل انواع علوم و فنون مثل فقه، تفسیر، حدیث، زبان شناسی، لغت، نجوم در دوره او به نهایت شکوفایی و رشد رسید.^۴ او تلاش فراوانی برای سامان‌دهی امور مردم و ایجاد نظم و امنیت با به کارگیری کارگزاران زبده و قضات مختلف نمود. در این دوران حکومت رستمی با امویان اندلس،

۱. ابن صغیر، تاریخ بنی رستم، ص ۲۹؛ وزیری، معجم البلدان، ص ۲۰۰؛ عودی، تاریخ دولت اغلیبیان در افریقیه و صقلیه، ص ۳۳۹؛ مونس، تاریخ و تمدن مغرب، ص ۳۰۲؛ حجازی، تطور الفکر التریوی الاباضی فی شمال الافریقی من القرن الاول حتی القرن العاشر هجری، ص ۹۴.

۲. ابن صغیر، تاریخ بنی رستم، ص ۲۹.

۳. حریری، الدولة الرستمیة بالمغرب الاسلامی حضارتها و علاقتها بالمغرب و الاندلس، ص ۱۰۷.

۴. ابن صغیر، تاریخ بنی رستم، ص ۴۰.

اغالبه افریقا، بنی مدرار و اباضیان مشرق، روابط خوب و صمیمانه‌ای داشت و در نتیجه دوره طلایی حکومت رستمی در زمان او شکل گرفت.^۱

در زمان حکومت افلح بن عبدالوهاب (۲۰۸-۵۲۵۸ ه.ق) شاهد شکوفایی تاهرت و مغرب اوسط از نظر اقتصادی و فرهنگی هستیم. منابع درباره چگونگی انتخاب و ویژگی‌های افلح می‌گویند که پس از مرگ پدرش، اهل حل و عقد وی را به امامت برگزیدند.^۲ او به شجاعت، زیرکی، عدالت و دوستی با علم مشهور و معروف بود. افلح در مدت امارت خود، دوشادوش مردم و همراه آنان کارهای عمرانی فراوانی انجام داد و مردم را به کارهای عمرانی تشویق نمود. در واقع، میل او به کارهای عمرانی سبب ساخت قصرهایی مثل نفوسه، العدوه، ابان، حمویه و الجفان گردید.

او در کنار اقدامات عمرانی به بحث امنیت توجه می‌کرد. امنیت فضای لازم برای رونق اقتصادی را آماده کرد. در نتیجه، اجناس و کالاها به راحتی و فراوانی در دسترس بودند.^۳ این مسئله با انسجام و سازمان‌دهی امور اداری و وظیفه‌شناسی بیشتر کارگزاران افلح همراه بود. این افراد، وظایف خود، مانند رسیدگی به اداره شهرها، نظارت بر قضات، ترویج و تبلیغ مبانی مذهبی، محافظت از حدود و ثغور شهرها، ترمیم حصارها و آبادانی پل‌ها را به صورت شایسته به انجام می‌رساندند.^۴ در نتیجه ویژگی‌های شخصیتی افلح و انتخاب درست کارگزاران و وظیفه‌شناسی آنان در دوره او، بیشترین شکوفایی اقتصادی و آرامش سیاسی- اجتماعی مغرب اوسط و تاهرت را شاهد هستیم.^۵

۱. جلالی، جستاری در تاریخ و معتقدات اباضیه تنها بازماندگان خوارج، ص ۲۰۵.

۲. ابن صغیر، تاریخ بنی رستم، ص ۴۴.

۳. البارونی، الازهار الریاضیه فی ائمه و ملوک الاباضیه، ص ۲۰۲.

۴. ابن صغیر، تاریخ بنی رستم، ص ۵۴.

۵. ناصری، مقدمه ای بر تاریخ مغرب اسلامی، ص ۲۶-۲۸؛ الحموده، تاریخ المغرب فی العصر الاسلامی،

پس از دوران افلح، روی کار آمدن افرادی که نه خود ویژگی‌های لازم برای امامت و حکومت رستمیان را داشتند و نه افراد شایسته‌ای را برای اداره امور برگزیدند، سبب شد حکومت رستمی به سمت اضمحلال پیش رود. بی توجهی و عدم حساسیت ابوبکر بن افلح (۲۵۸-۲۸۱ هـ) (جانشین افلح بن عبدالوهاب در گزینش کارگزاران دولتی، غفلت از امور حکومتی و سرگرم شدن به عیش سبب ایجاد وقفه در شکوفایی تاهرت گردید.^۱ البته با روی کار آمدن حکومت ابوالیقظان محمد بن افلح با ویژگی‌های شخصیتی مثبت، شیوه حکومتی مناسب و انتخاب کارگزاران شایسته، دولت رستمی جانی تازه گرفت. او توانست شکوفایی سابق این حکومت را احیا کند. به دلیل همین احیاءگری، از او با عنوان عبدالرحمان دوم یاد می‌شود.^۲ ابن صغیر، مورخ هم عصر این حکومت درباره ویژگی‌های شخصیتی ابوالیقظان می‌نویسد:

او خوش سیرت و دارای سجایای اخلاقی بسیاری بود و در برپایی حق نهایت تلاش خود را به کار می‌برد؛ زیرا خود او هر روز بر نقطه‌ی بلندی از مسجد رفته و با گوش فرا دادن به خواست‌ها و نیازهای مردم اعم از کارگر، قاضی، پلیس و... با صلابت و به طور یکسان، از مردم دادخواهی می‌نمود. از آن مکان بلند نمی‌شد مگر این که از آنها رفع ستمی شود.^۳

ابوالیقظان پس از این که توانست به امامت این حکومت دست یابد، مسیر قبلی را ادامه داد و تمام تلاش خود را برای آسایش و آرامش مردم به کار برد. نخستین اقدام او پس از به دست گرفتن حکومت و ورود به تاهرت، مشورت با گروهی از مردم برای

۱. ابن صغیر، تاریخ بنی رستم، ص ۷۰.

۲. ابن صغیر، تاریخ بنی رستم، ص ۵۴، ص ۷۰؛ ابن سلام، بدء الاسلام و شرائع الدین، ص ۹۳.

۳. ابن صغیر، تاریخ بنی رستم، ص ۸۱.

گزینش قاضی صالح، شخصی برای امر به معروف و نهی از منکر و سایر کارگزاران دولتی با ویژگی‌های مثبت اخلاقی بود.

او در انتخاب این کارگزاران، سیاست عدم تعصب نسبت به قبیله‌ای خاص را در پیش گرفت و مجلس مشورتی از رؤسای قبایل مختلف انتخاب کرد تا به کمک و راهنمایی آنان برای تمام ولایات والی، عامل، کارگزار، حاکم و قاضی و رئیس پلیس تعیین نمایند. او توجه ویژه‌ای به عمران و تجارت داشت و گام‌های سریع در اصلاح امور دینی و دنیوی برداشت.^۱

منابع رستمی درباره تسامح مذهبی حاکم بعدی رستمیان، ابوالیقظان بن ابوالحاتم (۲۸۱-۲۹۴) سخن گفته‌اند. در دوره او فرق و نحل گوناگون، مانند مذهب شیعه موقعیت بهتری داشتند. چنان‌که در منابع تاهرت، خطبه‌های نهج‌البلاغه قرائت می‌شد.^۲ او برای اصلاح اوضاع اجتماعی و اخلاقی مردم به تعیین والیان، قاضیان و مأموران انتظامی شایسته پرداخت.^۳ آخرین حاکم سلسله بنی رستم، یعقوب بن افلح (۲۹۴-۲۹۶) بود که برخی از منابع درباره ساده زیستی و پرهیزگاری او در زندگی شخصی و حکومتی سخن گفته‌اند.^۴

با این حال این حکومت نتوانست در برابر حمله ابوعبدالله شیعی در سال ۲۹۶ هجری به تاهرت، قتل عام تمام اعضای خاندان رستمی، برچیدن این دولت و از بین بردن

۱. همان، ص ۴۱؛ درجینی، طبقات المشایخ بالمغرب، ص ۸۴، ۸۳.

۲. ابن صغیر، تاریخ بنی رستم، ص ۴۱؛ درجینی، طبقات المشایخ بالمغرب، ص ۹۰؛ ناصری طاهری، مقدمه ای بر تاریخ مغرب اسلامی، ص ۲۸؛ شهیدی پاک، تاریخ تحلیلی مغرب، ص ۱۳۱-۱۴۵.

۳. ابن صغیر، تاریخ بنی رستم، ص ۹۲؛ جلالی، جستاری در تاریخ و معتقدات اباضیه تنها بازماندگان خوارج، ص ۳۰۷.

۴. ابن صغیر، تاریخ بنی رستم، ص ۷۰، ۱۲۰.

نمادهای فرهنگی آن مقاومت نماید.^۱ امامت تاهرت با وجود برخی وقفه‌ها، تجربه موفقیت آمیزی بود که حدود یک و نیم قرن دوام یافت و خدمات فکری، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بزرگی به پیروان خود ارائه داد و آنان را از انقیاد در برابر حکومت‌هایی چون اغلیبان (۱۸۴-۲۹۶ق/۸۰۰-۹۰۹م) رهایی بخشید.^۲

امامان رستمی برای اداره بهتر امور از کارگزاران زبده‌ای بهره می‌بردند. رعایا و کارگزاران این دولت در پیروی و تبعیت از امامان رستمی پای‌بند اصولی بودند که می‌توان این وظیفه‌شناسی را در بین دولت‌هایی مثل حکومت عباسیان (۱۳۲-۶۵۶) که در آن زمان به بالاترین شکوفایی خود رسیده بودند و عصر طلایی خود را سپری می‌کردند، مشاهده نمود.^۳

این امامان در برابر دادن مزایا و رعایت حال کارگزاران خویش، انتظاراتی از آنان داشتند. مانند این که پای‌بند اصول اخلاقی شایسته و مناسب باشند تا مبادا کژی و ناراستی آنان به وسیله رعایا تقلید شود.^۴ همان گونه که گفته شد، گاهی امر انتخاب کارگزاران به طور مستقیم به وسیله امام رستمی انجام می‌شد و گاهی این امر با بهره‌مندی از مجلس مشورتی و رأی کارشناسانی که مأمور بررسی صلاحیت کارگزاران بودند، انجام می‌پذیرفت.

شاید بتوان گفت که این حد بهره‌گیری از آرای افراد صاحب فکر و مشاوره با ایشان در جهت اداره بهتر امور و انتخاب افراد شایسته برای پست‌های مختلف، نشانه‌ای از

۱. البارونی، *الازهار الیاضیه فی ائمه و ملوک الیاضیه*، ص ۲۳۸؛ سعد زغلول، *تاریخ المغرب العربی*

الفاطمیون و بنو زبیری و الصنهاجیون الی قیام المرابطین، ص ۳۰۸.

۲. مونس، *تاریخ و تمدن مغرب*، ص ۳۱۰.

۳. ابن صغیر، *تاریخ بنی رستم*، ص ۸۱.

۴. همان، ص ۴۱؛ *طبقات المشایخ بالمغرب*، ص ۸۳-۸۴.

حکومت دموکراسی بود که امامان رستمی از ابتدای حکومت در صدد اجرای آن در تاهرت بودند. پس از اثبات کاردانی افراد انتخاب شده، حاکمان بنی رستم با ارسال نامه هایی، آنها را به پارسایی راهنمایی می کردند و بر اصولی ترین وظیفه آنها؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر و نظارت و حفظ بیت المال به شکل عادلانه تأکید می کردند.^۱

پس از آن، خود نظارت ویژه‌ای بر کار این افراد داشتند و حتی برای استحکام نظارت، نهادهای ویژه ایجاد کردند که این نهادها به همراه کارگزاران متعهد در اداره و ادامه این حکومت، نقش مهمی ایفا کردند. به عبارت دیگر، کارکنان متعهد و زبده رستمی، زمینه مناسبی را برای امامان رستمی فراهم می آوردند تا آنان بتوانند به سازمان دهی امور مردم بپردازند و در نتیجه نظم و امنیت موجود، رعایای خود را به رعایت اوامر دینی فرا خوانند و آنان را از افعال ناپسند منع نمایند.

۲-۲. تشکیلات قضایی

قاضیان از مهم ترین ارکان دولت بنی رستم پس از امام و در رأس تشکیلات قضایی بودند. انتخاب آنها به دلیل حساسیت کارشان به آسانی صورت نمی گرفت. متصدیان این مقام باید دارای خصایص و ویژگی هایی خاص بودند تا شایسته گزینش چنین منصبی می شدند.

حکومت بنی رستم بر این باور بود که قاضیان باید افرادی عالم به کتاب و سنت باشند، فاسد و رشوه گیر نباشند، در برابر دشمنان و مخالفان صبور باشند، در راه حق به نکوهش و سرزنش هیچ کس توجه نکنند، با صاحبان اندیشه و عاقلان مشورت نمایند، ثابت قدم، پاک دامن، پارسا و مدبر در امور دین باشند، خوش اخلاق و خوش سیرت باشند، از عیوب اخلاقی مانند عدم بصیرت و آگاهی مبرا باشند، خود را به رعایت امور معنوی و

۱. البارونی، *الازهار الیاضیه فی ائمه و ملوک الیاضیه*، ص ۲۳۸؛ سعد زغلول، *تاریخ المغرب العربی تاریخ*

دول الاغالبیه و الرستمیین و بنی مدرار و الادارسته حتی قیام الفاطمیین، ص ۳۰۸.

مادی متعهد کنند و به صورتی برخورد نمایند که برای مردم الگوی شایسته و مناسبی باشند.^۱

قضات پس از دارا بودن شرایط بیان شده، شایستگی معرفی خود را به امامان رستمی می‌یافتند. در واقع، سختی‌های گزینش قضات به دلیل حساسیت شغلی این افراد بود؛ چرا که امامان رستمی اعتقاد داشتند در بالاترین ارکان معنوی دولت، باید افراد شایسته‌ای قرار گیرند که الگوی مناسبی برای سایر رعایا در کردار و اعمال باشند. بررسی تاریخ بنی رستم نشان می‌دهد، اولین اقدام امامان رستمی پس از به حکومت رسیدن، مشورت با بزرگان اباضی و غیر اباضی برای انتخاب قاضیان بود.

نخستین اقدام ابوالیقظان پس از اقامت در تاهرت، مشورت با گروهی از مردم برای گزینش قاضی صالحی بود.^۲ ابوحاتم یوسف بن ابی یقظان نیز، رهبری بود که پس از ورود به تاهرت، بزرگان اباضی و غیر اباضی را گرد آورد و درباره کسی که باید منصب قضاوت را عهده دار شود، با آنان به مشورت پرداخت و پس از مشورت و تحقیق، قضاوت را به فردی به نام عبدالله سپرد.^۳

ناگفته نماند که دشواری گزینش قضات، تنها در مرحله اولیه انتخاب آنها بود و در صورت گزینش، این افراد جزء گروهی بودند که از بالاترین امکانات و آسایش در جامعه رستمی برخوردار می‌شدند. آنان به چنان منزلتی می‌رسیدند که هیچ شخصی، اجازه دخالت

۱. حجازی، *تطور الفكر التربوی الاباضی فی الشمال الافریقسی من القرن الاول حتی القرن العاشر الهجری*، ص ۱۵۲؛ عبدالحمید، *تاریخ المغرب العربی الفاطمیون و بنو زیری و الصنهاجیون الی قیام المرابطین*، ص ۳۰۸؛ حریری، *الدولة الرستمیة بالمغرب الاسلامی حضارتها و علاقتها بالمغرب و الاندلس*، ص ۱۵۸.

۲. ابن صغیر، *تاریخ بنی رستم*، ص ۹۵؛ ضیائی، *تاریخ و اعتقادات الاباضیه*، ص ۳۰۴.

۳. ابن صغیر، *تاریخ بنی رستم*، ص ۹۷.

در امور ایشان را نداشت و کسی نمی‌توانست عقیده این افراد را در حکمی، پس از تصویب آن تغییر دهد.^۱

در مورد قضاوت که وظیفه اصلی قاضیان بود، بیان این نکته لازم است که آنها در محلاتی به نام دار القضا حضور می‌یافتند و به امور قضایی می‌پرداختند. قاضیان در بیشتر دوران حکومت رستمیان به وظیفه اصلی خود؛ یعنی قضاوت مشغول بودند اما در دوره‌هایی مانند دوره افلح، وظیفه محتسبان^۲ نیز برعهده آنها گذارده شد.

یکی دیگر از ارکان نهاد قضاوت، اصحاب شرطه بودند که نایبان و جانشینان قاضی محسوب می‌شدند. آنان در غیاب قاضی وظایف او را بر عهده داشتند.^۳ صاحبان شرطه از لحاظ ویژگی‌های شخصیتی مانند قضاوت، باید دارای شایستگی‌های معنوی و دنیایی بودند و درست به همان نسبت که در انتخاب قاضیان، سخت‌گیری وجود داشت، این دسته هم از سخت‌گیری مبرا نبودند و پس از غربال‌گری‌های متعدد انتخاب می‌شدند تا بتوانند در غیاب قاضیان به انجام وظایف آنها بپردازند.^۴

۱. همان، ص ۱۰۳.

۲. محتسب مقامی در ساختار دولت‌های اسلامی بود که در رأس نهاد حسبه قرار می‌گرفت. ابتدا کار آن محدود به تنظیم بازار می‌شد اما با گذشت زمان، تمام امور مربوط به امر به معروف و نهی از منکر را در بر گرفت. علاوه بر کار اصناف و مشاغل مختلف نظارت داشت. اصناف مورد نظارت محتسب حتی شامل بالاترین مقامات شهر مانند قاضی می‌شد (ابن صغیر، تاریخ بنی رستم، ص ۹۷؛ مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم ج ۲، ص ۴۶۱؛ ابن خلدون، العبر و دیوان المتبدا و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر، ج ۱، ص ۴۳۲).

۳. همان، ص ۱۱۲.

۴. ابن صغیر، تاریخ بنی رستم، ص ۷۰.

یکی دیگر از ارکان تشکیلات قضایی بنی رستم، محتسبان (متصدیان امر به معروف و نهی) بودند.^۱ نهاد حسبه یکی از نهادهایی است که در طول تاریخ اسلام، دارای جایگاه ویژه‌ای در ساختار حکومت‌های اسلامی بوده است. محتسب از سوی امام یا خلیفه به این مقام منصوب می‌شد و گاه این کار با نظارت قاضی و توافق حاکم انجام می‌شد.^۲ محتسبان باید دارای ویژگی‌های خاصی، مانند برخورداری از عقل کامل، اطاعت کامل از امامان رستمی، امانت داری و اراده بالا بودند.^۳

در تمام دوره‌ها می‌توان توجه خاص امامان رستمی را به این نهاد مشاهده کرد، ولی ابوالیقظان از برجسته‌ترین امامان رستمی بود که توجه ویژه به این امر داشت.^۴ وی برای این کار، افراد قبیله نفوسه^۵ را شایسته‌تر از سایرین می‌دانست و آنان را عهده دار این وظیفه کرد.^۶ قدرت تنفیذی محتسب در ادوار مختلف و در حکومت‌های مختلف متفاوت بود، اما وظایفی که این نهاد در حکومت بنی رستم برعهده داشت تفاوتی با وظایف آن در دیگر حکومت‌های اسلامی نداشت.

این نهاد دارای ارتباط مستقیم و همیشگی با بازار و اصناف بود و بنیان آن بر اصل دینی امر به معروف و نهی از منکر استوار بود.^۷ مهم‌ترین وظایف آن عبارت بودند از:

۱. الرازی، تجارب الأمم، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲. ابن صغیر، تاریخ بنی رستم، ص ۱۱۰.

۳. همان، ص ۱۱۳.

۴. همان، ص ۱۱۴.

۵. قبیله نفوسه از بزرگ‌ترین قبایل بربر و منسوب به نفوس بن زحیک بن مادغیس، نیای بربرهای بُنر، است. بنوزمور، بنومکسوره و ماطوسه مهم‌ترین شاخه‌های این قبیله هستند.

۶. ابن صغیر، تاریخ بنی رستم، ص ۷۰.

۷. همان، ص ۱۱۴.

نظارت بر فعالیت‌های بازار برای جلوگیری از رشوه، احتکار و غش در معامله، مراقبت از اصناف و اوزان، نظارت بر اهل ذمه تا خلاف مقررات عمل نکنند.^۱

توجه این افراد به امور تا اندازه‌ای بود که نه تنها انسان‌ها، بلکه حیوانات را شامل می‌شد. آنان اگر قصابی را در حال دمیدن در لاشه گوسفندی می‌دیدند، مجازات می‌کردند. از کسی که بیش از توان چهارپا بر او بار نهاده بود می‌خواستند آن را سبک کند و متناسب با وزن چهارپا از او کار بکشد. هم‌چنین، اگر زباله‌ای در معابر عمومی دیده می‌شد، ساکنان پیرامون آن را مسئول رفت و روب آن محل می‌نمودند.^۲

۲-۳. تشکیلات اقتصادی

امامان بنی رستم برای نظم دادن به امور مالی خود از افرادی به نام عاملان و گرد آورندگان زکات بهره می‌بردند. این افراد در دولت بنی رستم، وظیفه جمع‌آوری مالیات و زکات را برعهده داشتند. آنها اداره‌کنندگان امور مالی محسوب می‌شدند و در میان شهرها، قبایل و طوایف می‌گشتند و زکات و مالیات را جمع‌آوری می‌کردند و از همان مالیات‌ها به میزان کارکرد و استحقاق، دست‌مزد می‌گرفتند.^۳ گاه در این امر، محتسبان، ایشان را یاری می‌کردند.

درباره ویژگی‌های عامل زکات در منابع سخن‌چندانی گفته نشده است، اما عدالت، عدم ظلم و پاک‌دستی از ویژگی‌های ایشان بود. در منابع درباره سخت‌گیری مالیاتی اباضیان، مطالب کمی دیده می‌شود. در زمینه انواع مالیات و درآمدهای دولت رستمیان می‌توان به مالیات ده‌گانه‌ای اشاره نمود که بر دام، محصولات گیاهی به خصوص جو و گندم جاری بود.^۴

۱. عبد الرحمن بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ص ۴۳۳.

۲. ابن صغیر، تاریخ بنی رستم، ص ۷۰.

۳. همان، ص ۴۱.

۴. همان، ص ۴۲.

تاریخ بنی رستم نشان می‌دهد که در دوران عبدالرحمان و بیشتر جانشینانش، خزانه از اموال پر بود؛ زیرا صدقه و زکات در وقت مقرر از دارندگان گوسفند و شتر دریافت می‌شد. به وسیله اموال صدقه‌ای، لباس‌های پشمی خریداری می‌شد و به ساکنان هر خانه و عاملان زکات به میزان لازم اعطا می‌شد.^۱

در نتیجه کفایت و دقت عاملان زکات و وصول مرتب مالیات‌ها، دولت بنی رستم اوضاع اقتصادی خوبی داشت. به گونه‌ای که عبدالرحمن و جانشینانش با کشورهای مختلفی، مانند بنی مدرار (۱۵۵-۳۵۲ق) قراردادهای اقتصادی و سیاسی امضا می‌کردند و به برپایی بازارهای متعدد داخلی، مانند بازار ابن ورده فارسی می‌پرداختند.^۲

۳. والیان

رستمیان به تعیین والی اهمیت بسیار می‌دادند. مهم‌ترین وظایف والیان، حفظ امنیت و سازمان دهی امور اداری مناطق مختلف بود. آنها در مناطق مختلف تحت حکومت بنی رستم، وظایف دینی و دنیایی امامان اباضی را به نیابت ایشان بر عهده داشتند. والیان اباضی تنها حاکم سیاسی نبودند، بلکه وظایفی چون نظارت بر قاضیان، ترویج و تبلیغ مبانی مذهبی اباضیه از طریق داعیان و مبلغان دینی، ترمیم حصارها، آبادانی پل و مانند آنها را بر عهده داشتند.^۳

والیان به دلیل گستردگی وظایف دینی و اداری واگذار شده به آنها باید با مسائل شرعی و مذهبی به صورت کامل آشنا بودند. بررسی تاریخ بنی رستم نشان دهنده آن

۱. همان، ص ۴۴؛ البارونی، *الازهار الریاضیه فی ائمه و ملوک الاباضیه*، ص ۲۸۳، ۲۹۳؛ برومند اعلم، عباس و آقامحمدی، سمیه، «شاخصه‌های توسعه یافتگی تاهرت»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، پژوهش نامه انجمن ایرانی تاریخ، ش ۱۸، ص ۳۹.

۲. ضیائی، *تاریخ و اعتقادات الاباضیه*، ص ۱۸۷، ۱۹۰؛ العروی، *مجمل تاریخ المغرب*، ص ۱۸۷.

۳. ابن صغیر، *تاریخ بنی رستم*، ص ۴۰، ۵۰.

است، بخش بزرگی از موفقیت‌های رستمیان در زمان اوج قدرت، مدیون والیان شایسته بود. به عنوان نمونه می‌توان به ابو عبیده جنونی، والی جبل نفوسه^۱ در دوره امامت افلح و افلح بن عباس، والی جبل نفوسه در دوره امامت ابوالیقظان بن افلح اشاره نمود. از سویی دیگر، زمانی که بنی رستم به سمت ضعف می‌رفت از تعداد والیان با کفایت کاسته شد و والیان ناشایست در ضعف و سقوط بنی رستم نقش مهمی داشتند.^۲

۴. نتیجه

حکومت دینی بنی رستم بر پایه اعتقادات اباضیه دارای ساختار و تشکیلات سیاسی، قضایی و اقتصادی بود که در رأس آن امام قرار داشت. علاوه بر امام، قاضیان، اصحاب شرطه، محتسبان، والیان و عاملان زکات ارکان دیگر این حکومت را تشکیل می‌دادند. در این حکومت، توجه ویژه به روش انتخاب، ویژگی‌ها و وظایف هر یک از رکن‌ها شده است. تفاوت چندانی بین وظایف ارکان این حکومت با ارکان حکومت‌های هم‌زمان مانند عباسیان نبود، اما توجه و تأکید جدی بر ویژگی‌های فردی افراد برای کسب مقام و بهره‌گیری از شورای مشورتی بزرگان اباضی، علما و رؤسای قبایل جهت انتخاب کارگزاران، نظارت بر ایشان و اداره امور سبب گردید رستمیان به نسبت حکومت‌های هم‌زمان، توفیقی نسبی در امر حکومت‌داری به دست آوردند.

۱. جناونی از زاهدان بزرگ اباضی روستای جَنانَوْن / اِجْناوْن، واقع در نزدیکی روستای فُسطو در جبل نفوسه بود. از تاریخ تولد وی اطلاعی در دست نیست، اما بنا بر بعضی نشانه‌ها در اواسط قرن دوم در روستای جناون به دنیا آمد. در همان‌جا رشد کرد و به فراگیری علم پرداخت. ابو عبیده در زمان امامت افلح بن عبدالوهاب بن عبدالرحمان رستمی که نیم قرن به درازا کشید، وفات یافت (ورجلانی، السیرة و الاخبار الائمة، ج ۱، ص ۱۳۵).

۲. ابن صغیر، تاریخ بنی رستم، ص ۱۳۷۵؛ ضیائی، تاریخ و اعتقادات الاباضیه، ص ۲۹۴.

در نتیجه کفایت آنها و شکوفایی تاهرت پایتخت ایشان، بسیاری از ممالک، خواهان ارتباط با رستمیان بودند. مهاجران متعددی از سراسر کشورهای اسلامی وارد تاهرت می‌شدند تا از آرامش و آسایش فراهم شده به وسیله کارگزاران و امامان این حکومت بهره مند شوند. حکومت صد و چهل ساله امامان رستمی ثابت کرد که می‌توان با دقت در مرحله انتخاب کارگزاران، دخالت دادن مردم در امور حکومتی و بهره‌گیری از اصل شورا، سطح کشور را تا حدی بالا برد که دولت‌های متمدن آن روزگار با ابزارهای متعددی، مانند قوه قهریه و تشکیلات منسجم به آن رسیده بودند.

منابع

۱. الاباضی، ابن سلام سالم بن یعقوب، *بدء الاسلام و شرائع الدین*، آلمان: قرانزشتانیر، بی تا.
۲. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارالصادر-دارالبیروت، ۱۳۸۵.
۳. ابن صغیر، *تاریخ بنی رستم*، ترجمه حجت الله جودکی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.
۴. الادریسی، ابوعبدالله محمد بن محمد بن عبدالله ادريس الحمدي، *نزهة المشتاق فی الاختراق الآفاق*، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۹.ق.
۵. البارونی، سلیمان باسا، *الازهار الرياضیة فی ائمة و ملوک الاباضیة*، محمد علی الصلیبی، لندن: دارالحکمه، ۲۰۰۵.م.
۶. باسورث، کلیفورد ادmond، *سلسله های اسلامی جدید راهنمایی گاهشماری و تبارشناختی*، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱.
۷. برومند، اعلم عباس و سمیه، آقامحمدی، «شاخصه های توسعه یافتگی تاهرت»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، پژوهش نامه انجمن ایرانی تاریخ، س ۵، ش ۳۹.
۸. البکری، ابو عبید، *المغرب فی ذکر بلاد افریقیه والمغرب*، بی جا: بی نا، بی تا.
۹. تامر، عارف، *اسماعیلیه و قرامطه در تاریخ*، مترجم حمیرا زمردی، قم: مؤسسه فرهنگی و هنری تبیان، بی تا.
۱۰. جلالی، مسعود، *جستاری در تاریخ و معتقدات اباضیه تنها بازماندگان خوارج*، تهران: نگاه سبز، بی تا.
۱۱. الجمیلی، رشید، *الرستمیون فی تاهرت ۱۶۲هـ-۲۹۷هـ انتشار الاباضیه فی المغرب و اثره فی التقیام الدوله الرستمیه*، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۲. جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، *اشکال العالم*، تهران: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
۱۳. چلونگر، محمد علی، «موقعیت تجاری آفریقیه و مغرب و نقش آن در تاسیس خلافت فاطمی»، *تاریخ اسلام*، س ۳، ش ۹، بهار ۱۳۸۱.
۱۴. حاجی زاده، یدالله، *بنی رستم*، قم: پژوهشکده باقر العلوم، بی تا.
۱۵. حجازی، عبدالرحمانی، *تطور الفكر التربوی الاباضی فی الشمال الافریقی من القرن الاول حتی القرن العاشر الهجری*، صیدا: المکتبه العصریه، بی تا.
۱۶. حداد، غلامعلی، *دانش نامه جهان اسلام*، ج ۶، تهران: بنیاد دایرة المعارف الاسلامی، ۱۳۸۰.

۱۷. حریری، عیسی، *الدولة الرستمية بالمغرب الاسلامی حضارتها و علاقتها بالمغرب و الاندلس*، بی جا: بی نا، ۱۴۸۰هـ.
۱۸. الحموده، عبدالحمید حسین، *تاریخ المغرب فی العصر الاسلامی*، القاهری: الدار الثقافیة للنشر، ۲۰۰۶م.
۱۹. حموی بغدادی، یاقوت، *معجم البلدان*، ترجمه علینقی وزیری، تهران: پژوهشکده باستان شناسی، ۱۳۸۳.
۲۰. الحمیری، محمدبن عبدالمنعم، *الروض المعطار فی خبر الاقطار*، عباس احسان، لبنان: مکتبه البنان، ۱۹۸۴م.
۲۱. *دائرة المعارف الاسلامیة*، تهران: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی نا.
۲۲. درجینی، طبقات المشایخ بالمغرب، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۳. رامین، علی و کامران فانی، محمد علی سادات، *دانش نامه دانش گستر*، تهران: مؤسسه علمی - فرهنگی دانش گستر، بی تا.
۲۴. الزرکلی، خیرالدین، *الاعلام قاموس التراجم لاشهر الرجال من العرب و المستعربین و المستشرقین*، الطبعة الثامنة، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۹م.
۲۵. سعد زغلول، عبدالحمید، *تاریخ المغرب العربی الفاطمیون و بنو زیری و الصنهاجیون الی قیام المرابطین*، الاسکندریه: بی نا، بی تا.
۲۶. _____، *تاریخ المغرب العربی تاریخ دول الاغالبیة و الرستمیین و بنی مدرار و الادارسة حتی قیام الفاطمیین*، الاسکندریه: الناشر بالمعارف، بی تا.
۲۷. سعیدیان، عبدالحسین، *دایرة المعارف بزرگ نو*، ج ۴، تهران: علم و زندگی، ۱۳۸۴.
۲۸. شماخی، احمد بن سعید بن عبدالوهاب، *السير، تحقیق احمد بن سعود السیابی*، بی جا: بی نا، ۱۴۰۷ ه.ق.
۲۹. شهیدی پاک، محمدرضا، *تاریخ تحلیلی مغرب*، قم: جامعه المصطفی العالمیة، ۱۳۸۹.
۳۰. ضیائی، علی اکبر، *تاریخ و اعتقادات الاباضیه*، قم: ادیان، ۱۳۹۰.
۳۱. عبادی، احمد مختار، *العبادی فی تاریخ المغرب و الاندلس*، اسکندریه: مؤسسه الشباب الجامعة، بی تا.
۳۲. عودی، ستار، *تاریخ دولت اغلبیان در افریقیه و صقلیه*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵.
۳۳. فرهمند، یونس، «روابط سیاسی و تجاری رستمیان در مغرب میانه»، *فقه و تاریخ تمدن*، س ۴، ش ۱۵، بهار ۱۳۸۷.
۳۴. کردی، رضا، *تاریخ سیاسی خوارج شمال آفریقا در سده های اول و دوم هجری*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۸۹.
۳۵. المدنی، احمد، *دائرة المعارف الاسلامیة*، تهران: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۹۴۳م.

۳۶. مراکشی، ابن عذارى، البيان المغرب فى اخبار الاندلس و المغرب، تحقيق ج.س. كولان، بيروت: دارالثقافة، بی تا.

۳۷. مراکشی، الاستبصار فى عجائب الامصار، بغداد: دارالشئون الثقافية، بی تا.

۳۸. مقدسى، ابو عبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسيم فى معرفة الاقاليم، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۱.

۳۹. موسوى بجنوردى، كاظم، دايرة المعارف بزرگ اسلامى، تهران: دايرة المعارف بزرگ اسلامى، ۱۳۸۵.

۴۰. مونس، حسين، تاريخ و تمدن مغرب، ترجمه حميدرضا شىخى، تهران: سمت، ۱۳۹۰.

۴۱. ناصرى طاهرى، عبدالله، مقدمه اى بر تاريخ مغرب اسلامى، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.

۴۲. نويسنده ناشناس، حدود العالم من المشرق الى المغرب، قاهره: دارالثقافة للنشر، ۱۴۲۳ ه.ق.

۴۳. ورجلانى، ابوزكريا يحيى بن ابى بكر، السيرة و الاخبار الائمة، بی جا: دار التونسيه للنشر، بی تا.

۴۴. اليعقوبى، احمد بن ابى يعقوب بن جعفر بن وهب، تاريخ اليعقوبى، بيروت: دارصادر، بی تا.

45. DONZEL AND W.P.HEINRICHS —TAHART---RUSTAMIDS---
Leiden Brill2000.

46. ENCYClopadia of islam- -x-t-u---p.J.BEARMAN,TH.BIANQUIS-
C.E.BOSWORTH E.VAN.

